

جنايات جنگى در مخاصمات مسلحانه بين المللى

محمد سكندر متين^۱

چكیده

جنگ يکى از پدیده‌هاى شومى است که بسيارى از جوامع انسانى با آن دست و پنجه نرم مى‌کنند. لذا برای اينکه از خسارت زياد اين پدیده نحس جلوگیری شود، ضرورى است که قوانين داخلى و بين‌المللى در مورد قانونى کردن آن وضع شود. به همين جهت تلاش‌هاى فراوانى در راستای انسانى کردن جنگ شده که به قراردادهای بين‌المللى متعددى منجر شده است؛ مانند کنوانسيون ۱۹۴۹ ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحين، بيماران نيروهاى مسلح در صحنه نبرد، قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحين، بيماران و غريقان نيروهاى مسلح در دريا، قرارداد راجع به رفتار با اسيران و قرارداد راجع به حمايت از افراد غيرنظامى در زمان جنگ. در اين مقاله که با روش تحليلى و توصيفى تدوين شده، به بررسى جرائم جنگى در مخاصمات مسلحانه بين‌المللى پرداخته شده است. هدف اين تحقيق شناسايى عناصر اختصاصى هر جرم و بررسى مصاديق هشت‌گانه الف از بند دوم ماده ۸ اساسنامه ديوان بين‌المللى جزايى است که شامل قتل عمدى، شکنجه، ضبط گسترده اموال، حبس غيرقانونى، محروم کردن از محاکمه عادلانه، گروگان‌گيرى، اجبار اسراى جنگى به خدمت در نيروهاى دشمن و فراهم آوردن موجبات رنج عظيم يا صدمه شديد به جسم و سلامتى، مى‌شود.

کلیدواژه‌ها: جنايات جنگى، مخاصمات مسلحانه، نزاع‌هاى مسلحانه بين المللى

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسى، جامعه المصطفى العالميه، غزنى، افغانستان.



مقدمه

مخاصمات مسلحانه یا همان جنگ، یکی از پدیده‌های شوم است که در طول اعصار گذشته تا امروز در حیات انسان وجود داشته و هر بار موجب مرگ میلیون‌ها انسان شده است. با پیشرفت بشر و تعالی انسان از لحاظ فرهنگ و تمدن و داشتن درک خوب‌تر از مفهوم زندگی، متفکران و اندیشمندان مصلح جهان درصدد برآمدند که اگر جلو آن را گرفته نمی‌توانند، لااقل با وضع مقررات و قوانینی درصدد انسانی کردن جنگ برآیند و از شدت آثار تخریبی آن کم کنند. لذا به سبب قراردادهای بین‌المللی که حاصل تلاش‌های حقوق‌دانان مسئول و مشتاق برپایی جهانی در صلح و دوستی است، مقرراتی در جهت جرم دانستن اعمال ددمنشانه‌ای که طی جنگ‌ها به خصوص در دو جنگ جهانی واقع شد، وضع گردید. این اقدام موجب شد تا در جنگ‌های همیشه محتمل‌الوقوع لااقل طرفین متخاصم از ترس عواقب ارتکاب جنایات جنگی در آینده، مواظب رفتار خویش باشند. به همین دلیل، در این قراردادهای بین‌المللی سعی شده که جنگ را هم در یک چارچوب قابل قبول قرار دهند به نحوی که در هر درگیری مسلحانه، طرفین «حقوق بشردوستانه بین‌المللی» را رعایت کنند.

به موجب این حقوق در هدایت جنگ‌ها طرف‌های متخاصم باید سه اصل ضرورت، انسانیت و مروت پایبند باشند. به موجب اصل ضرورت اقدامات ضروری برای دستیابی به پیروزی مجاز است. لذا باید میان سهم مؤثری که حمله یک هدف پیروزی نهایی دارا است و صدمات یا ضایعات وارد بر آن هدف، تناسبی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اصل ضرورت تنها در مورد نیل به اهداف نظامی در صحنه نبرد قابل استناد است نه در رابطه با اهداف سیاسی یا دیگر خواسته‌های طرفین جنگ.

انسانیت یا انسان‌دوستی میزان خشونت مجاز را تعیین می‌کند و به موجب آن اقدامات غیرضروری یا افراطی ممنوع است و مروت به معنای رعایت انصاف و احترام متقابل میان نیروهای متخاصم است. از این روش‌ها و شیوه‌های جنگی ناشایست از قبیل خیانت یا حیلۀ نامشروع، سوءاستفاده از علائم تحت حمایت در حین حملات و نپذیرفتن امان‌خواهی ممنوع می‌گردد. (کریانک ساک، ۱۳۸۳: ۲۵۱)



از جمله مقررات بين المللى كه با هدف انسانى كردن جنگ و حمايت از جان افراد غير نظامى كه اصولاً در جنگ شركت ندارند و بالاخره مصونيت اماكن تاريخى، مذهبى و نظاير آن از حملات و بمباران دشمن وضع شده است، مى توان به موارد ذيل اشاره نمود:

۱. قرارداد لاهه ۱۹۰۷ راجع به قوانين و عرف هاى جنگ زمينى؛
۲. قرارداد ژنو ۱۹۴۹ با عنوان بهبود سرنوشت مجروحان و بيماران نيروهاى مسلح در صحنه نبرد؛
۳. قرارداد ژنو ۱۹۴۹ با عنوان بهبود سرنوشت مجروحان، بيماران و غريقان نيروهاى مسلح در دريا؛
۴. قراردادى راجع به رفتار با اسيران جنگى؛
۵. قراردادى با عنوان حمايت از افراد غير نظامى در زمان جنگ.

البته بعدها نيز در ادامه همين تلاش هاى بشردوستانه مقررات ديگرى نيز وضع شد تا هر چه بهتر و ممكن است از آثار مخرب جنگ و مخاصمات مسلحانه بين المللى كاسته شود. لذا در اساسنامه دادگاه هاى يوگسلاوى سابق، رواندا و اساسنامه ديوان بين المللى كيفرى مصوب ۱۹۹۸ م. نيز در خصوص مقررات جنگ اصول و قواعدى با هدف انسانى كردن جنگ پيش بينى شده است كه موضوع مقاله حاضر را انواع جنايات جنگى در اساسنامه ديوان بين المللى جزاى تشكيل مى دهد. ماده ۸ اساسنامه ديوان بين المللى كيفرى به جنايات جنگى اختصاص يافته است. «ديوان نسبت به جنايات جنگى، به ويژه هنگامى كه در قالب يك برنامه يا سياست عمومى يا در قالب ارتكاب گسترده چنين جرائمى صورت گرفته باشد، صلاحيت رسيدگى دارد».

۱. تعريف جنايت جنگى

با توجه به ماده ۸ اساسنامه ديوان بين المللى جزاى، جنايات جنگى به دو دسته كلى جنايات جنگى در مخاصمات مسلحانه بين المللى و جنايات جنگى در مخاصمات مسلحانه غير بين المللى، تقسيم مى شود. جنايات جنگى در مخاصمات مسلحانه



بین‌المللی خود به دودسته تقسیم می‌شوند: الف. نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو؛ ب. نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی. تمرکز اصلی این مقاله نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو است.

در بند ۲ ماده ۸ این کنوانسیون آمده است: منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه، موارد ذیل است:

الف. نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو؛ یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارایی‌هایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته است.

قبل از اینکه شقوق هشت‌گانه الف از بند ۲ ماده اساسنامه را متذکر شویم، لازم است توضیح دهیم که مقصود از «اشخاص یا دارایی‌های که تحت حمایت مقررات کنوانسیون ژنو قرار گرفته»، چیست. منظور از اشخاص تحت حمایت، تمام افرادی هستند که هیچ‌گونه فعالیت و دخالتی در درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ندارند، خواه اصولاً غیرنظامی باشند، خواه نظامی باشند که مجروح جنگی اند و در چنین حالتی بدیهی است که توان ایفای نقش فعال در جنگ ندارند. لذا این اشخاص که بخش غیرنظامی آن طیف وسیعی از مردم را در بر می‌گیرد اعم از زنان، کودکان و مردانی که نظامی نیستند و نوع نظامی فاقد توانایی فعال بودن در جنگ نیز که شامل مجروحین جنگی، اسیران جنگی یا بیماران و امثال آن‌ها هستند، همگی شامل عنوان اشخاص تحت عنوان حمایت قراردادهای ژنو هستند. لذا هر نوع تعرضی نسبت به آنان به شرحی که در شقوق هشت‌گانه الف، بند ۲ آمده است، مانند کشتار عمدی یا شکنجه آن‌ها و غیره، مشمول عنوان جنایت جنگی است.

بند ۱ ماده ۳ از فصل اول قرارداد ژنو تحت عنوان بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام لشکرکشی، بیان می‌کند: «با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته‌اند یا اشخاصی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ



نباشند، باید در همه احوال بدون هیچ گونه تبعیضی که ناشی از نژاد، رنگ، عقیده، جنس، اصل و نسب یا هر علت مشابه آن باشد، با اصول انسانیت رفتار شود». (هدایتی، ۱۹۶۶: ۳۰۲)

اما منظور از اموال و دارایی های تحت حمایت کنوانسیون ژنو، کلیه اموالی است که به دلایل انسانی نباید موردتهاجم یا تصاحب دول متخاصم در جنگ قرار گیرد؛ مانند:

۱. لوازم و انبارهای بیمارستان های یک کشور مادامی که برای احتیاجات جمعیت آن کشور لازم است، نمی توان مصادره کرد. (ماده ۵۷ قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد یک کشور در زمان جنگ)

۲. وجوه نقدی، چک ها و اوراق بهادار و اشیای قیمتی افراد بازداشت شده را نمی توان از آن ها گرفت مگر بر طبق ترتیبات معین در مقابل دادن رسید به آن ها. هم چنین اشیایی که بیشتر ارزش شخصی یا احساساتی دارند، نمی توان از افراد تحت بازداشت گرفت. (ماده ۹۷ همان قرارداد)

۳. ناوهای بیماربر یعنی کشتی های که توسط دولت صرفاً برای کمک به زخمی ها و بیماران و غریقان و معالجه و حمل آنان ساخته شده است، نباید در هیچ حالتی موردحمله قرار گیرد. (ماده ۲۲ قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمی ها و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا)

۴. انهدام و تصرف اموال که از ضروریات جنگی نباشد، ممنوع است. (ماده ۵۰ همان قرارداد)

۵. کشتی های بیمارستان که حامل زخمی ها، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا هستند (ماده ۲۰ قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح هنگام لشکرکشی)

۶. وسایل حمل و نقل بیماران و زخمی ها و لوازم شفاخانه به مثابه تشکیلات کلینیکی سیار مورداحترام قرار خواهد گرفت. (ماده ۳۵ همان قرارداد)

۷. ناوهای هوایی بهداری، بدین معنا که هواپیماهای که منحصرأً برای تخلیه بیماران و

زخمی‌ها و هم‌چنین برای حمل و نقل کارکنان و لوازم بهداشتی استعمال می‌شود، مورد حمله قرار نخواهد گرفت. (ماده ۳۶ همان قرارداد)

۲. مصادیق هشت‌گانه جنایات جنگی

اکنون به توضیح مصادیق هشت‌گانه جنایات جنگی بخش الف، بند ۲، ماده ۸ اساسنامه دیوان جزایی بین‌المللی موضوع در بخش الف می‌پردازیم:

۱-۲. کشتار عمدی

دکتر ابراهیم پاد با الهام از نظریه «پروفسور گارو» در کتاب تألیف نام‌برده تحت عنوان «شرح حقوق جزای فرانسه» چنین می‌گوید: «قتل عمدی، گرفتن حیات از شخص زنده به وسیله شخص دیگر است بدون مجوز قانونی». (پاد، ۱۳۸۱، ۱: ۲۷) کشتار عمدی عبارت است از «کشتن افراد نظامی دستگیر شده در هنگام جنگ یا کشتن افراد غیرنظامی سرزمین‌های اشغالی و در هر دو حالت ارتکاب این جنایت از روی قصد و عمد.

قتل عمد را کود جزای افغانستان در ماده ۵۴۶ چنین تعریف کرده است: «قتل عمد یعنی از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل».

در تعریف دوم از لحاظ انطباق با قتل عمدی موضوع کشتار عمدی زیر مجموعه جنایات جنگی، نزدیک‌تر به منظور مقنن اساسنامه دیوان بین‌المللی جزایی به نظر می‌رسد؛ زیرا در دو حالت فعل یا ترک فعل منجر به قتل را در بردارد. جنایات بین‌المللی نیز ناظر به این هر دو حالت است؛ یعنی ارتکاب جنایات جنگی در قالب فعل یا ترک فعل و در خصوص مورد نیز که راجع به کشتن عمدی است، می‌تواند با اقدام به سلب حیات قربانی با سلاح سرد یا گرم یا کم کردن جیره غذایی اسیر جنگی باشد. اما شرط عمدی بودن قتل ناظر به وجود عنصر معنوی جرم به شدیدترین شکل آن است؛ یعنی جانی، هم قصد انجام فعل کشنده را دارد و هم نتیجه آن را می‌خواهد. در بعضی موارد هم با این که احتمالاً جانی قصد قتل را ندارد ولی وسیله که به کار می‌برد نوعاً کشنده است، مصداق قتل عمد است اگرچه قاتل قصد قتل نداشته است.



عناصر اختصاصى قتل عمد

۱. مرتكب، حداقل يك شخص را به طور عمدى كشته باشد؛
۲. شخص يا اشخاص كشته شده مورد حمايت مقررات مندرج در كنوانسيون هاى بين المللى ۱۹۴۹ ژنو باشد؛
۳. مرتكب از شرايط عينى كه وجود يك وضعيت حمايت شده را ثابت مى كند، آگاه بوده باشد؛
۴. عمل جرمى در چهارچوب يك منازعه مسلحانه بين المللى و مرتبط با آن رخ داده باشد؛
۵. مرتكب از شرايط عينى كه وجود يك مخاصمه مسلحانه را ثابت سازد، آگاهى داشته باشد؛

۲-۲. شكنجه يا رفتار غيرانسانى

شكنجه يا رفتار غيرانسانى از جمله آزمائش هاى زيست شناختى و بيولوژيكي مطابق بند دوم ماده ۷ اساسنامه ديوان بين المللى جزايى شكنجه؛ يعنى تحميل عمدى درد يا رنج شديد جسمى يا روحى به شخصى كه در توقيف يا تحت كنترل، متهم به شكنجه است. منتها در اين مورد تحت عنوان «جنايت جنگى» ارتكاب مى يابد، بديهى است كه اين فعل مجرمانه بايد در شرايط خاص كه همان شرايط جنگى و درگيرى هاى مسلحانه است، انجام گيرد و مرتكب اين جنايات هولناك و فجيع، با قصد و هدف هاى پيروزى در جنگ، عليه قربانى انجام دهد. پس مى تواند به منظور اخذ اقرار از طرف يا اجبار او به انجام عملى است كه موجب تسريع در هدف پيروزى در جنگ مى شود، واقع گردد. بنابراين لازم نيست كه مجنى عليه، نظامى باشد. اين جنايات مى تواند عليه اشخاص غير نظامى هم با هدف هاى فوق يعنى هدف هاى جنگى، تحقق يابد. به همين دليل هم به دنبال واژه شكنجه، «يا رفتار غيرانسانى» نيز آمده است. رفتارهاى غيرانسانى نيز لزوماً عليه فرد نظامى ارتكاب نمى يابد، بلكه مى تواند عليه افراد غير نظامى هم ارتكاب يابد نهايتاً حتماً بايد در زمان جنگ و با هدف تسهيل پيروزى در جنگ انجام گيرد. منظور از رفتارهاى غيرانسانى نيز به معنای

اقداماتی است که از سوی مجرم، علیه شرافت و کرامت انسانی قربانی ارتکاب یابد و موجب تحقیر و تخفیف وی گردد.

۱-۲-۲. تعریف شکنجه در حقوق بین الملل عرفی و کود جزا افغانستان

تعریف کود جزا از شکنجه، در فصل نهم باب دوم از کتاب دوم، مبتنی بر تعریف حقوق بین الملل عرفی و تعریف کنوانسیون بین المللی منع شکنجه است. بر اساس این تعریف، برای تحقق عمل جرمی شکنجه موجودیت سه عنصر لازم و ضروری است:

۱- عمل مادی شکنجه: عملی است که تحمیل کننده درد یا رنج شدید جسمی یا روحی و روانی بر شخص بازداشت شده یا تحت توقیف و محبوس است.

۲- عامل شکنجه: موظف رسمی خدمات عامه یا مقام رسمی دولتی باشد یا شخصی که مأمور رسمی دولت نیست اما جرم شکنجه تحت نظارت موظف یا با موافقت و رضایت وی و یا در سکوت حاکی از رضایت وی، انجام شود.

۳- هدف شکنجه: هدف باید یکی از موارد ذیل باشد: وادار کردن قربانی یا شخص ثالث به اقرار و اعتراف، مجازات کردن قربانی در برابر عملی که انجام داده است، وادار کردن قربانی یا شخص ثالث به انجام عملی و یا خودداری از انجام عمل و اعمال شکنجه با انگیزه هر نوع تبعیض.

لازم به ذکر است در مجازات کردن شخص در برابر عملی که انجام داده است در صورتی کلمه شکنجه صدق می کند که تمام شرایط اختصاصی جرم شکنجه موجود باشد در غیر آن ممکن است کلمه شکنجه صدق نکند مثلاً یک شخص به دلیل قتل عمد که انجام داده است ممکن است گرفتار شده و محکوم به حبس با اعمال مجازات جسمی گردد هر چند مطابق به قوانین داخلی و بین المللی اشخاص که در حبس قرار دارند را نمی توان مجازات جسمی کرد.

با توجه به مفهوم شکنجه در حقوق بین الملل عرفی و تعریف کنوانسیون بین المللی منع شکنجه و نیز تعریف ماده ۴۵۰ کود جزا افغانستان، تحمیل درد و رنج شدید جسمی یا روحی و روانی بر قربانی، تنها در صورتی وجود دو شرط ذیل شکنجه تلقی می شود:



۱_ شکنجه توسط مأمور دولت، یا به دستور و هماهنگی با رضایت وی انجام شده باشد. مواردی که تحمیل درد و رنج بیش از حد جسمی یا روحی قابل انتساب به مأمور رسمی دولت نباشد، تحت عناوین جرمی دیگری از جمله لت و کوب، ضرب و جرم و... قرار گیرد.

۲_ هدف شکنجه یکی از امور فوق الذکر باشد، البته دایره شمول اهداف فوق خیلی وسیع است؛ اما به هر صورت، اگر تحمیل درد و رنج شدید جسمی یا روحی و روانی با اهداف دیگری صورت گرفته باشد، بازهم از عنوان عمل جرمی شکنجه خارج می شود و تحت عنوان اعمال جرمی دیگری قرار می گیرد.

۲-۲-۲. تعریف رفتار غیرانسانی

منظور از رفتار غیرانسانی تعرض خشن، آگاهانه و عمدی علیه تمامیت جسمی یا روحی اشخاص است که مغایر با کرامت انسانی بوده و سبب درد یا رنج شدید جسمی یا روحی و روانی قربانیان می شود. غیرانسانی بودن رفتار از اوضاع و احوال متفاوت هر دوسیه قابل استنباط است.

با وجود اینکه رفتار غیرانسانی و شکنجه هر دو از یک صنف است، ولی در میزان خشونت و هدف، با هم فرق دارد. در تعرضی که رفتار غیرانسانی صدق می کند، میزان خشونت پایین تر از حدی است که درد و رنج شدید جسمی یا روحی و روانی تحمیل می کند. اگرچه در عمل این تشخیص دشوار است. هم چنین در شکنجه، اهداف غیرشخصی معینی تعقیب می شود که قبلاً ذکر شد، ولی در رفتار غیرانسانی ضرورت ندارد که هدف تعرض خشن علیه تمامیت جسمی یا روانی قربانی، یا یکی از اهداف باشد که در شکنجه تعقیب می شود.

۲-۲-۳. عناصر اختصاصی شکنجه

۱. مرتکب به طور عمدی و آگاهانه، از طریق فعل و ترک فعل، حداقل یک شخص را در معرض درد یا رنج شدید روحی و روانی قرار داده باشد؛

۲. شخص یا اشخاص شکنجه شده مورد حمایت مقررات مندرج در کنوانسیون های

بین المللی ۱۹۴۹ ژنو باشند؛

۳. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک وضعیت حمایت شده را ثابت می‌کند، آگاه بوده باشد؛

۴. عمل جرمی در چهارچوب یک منازعه مسلحانه بین‌المللی و مرتبط با آن رخ داده باشد؛

۵. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ثابت سازد، آگاهی داشته باشد؛

۶. هدف شکنجه‌کننده از تحمیل درد یا رنج شدید جسمی و روحی و روانی بر قربانی یا قربانیان، مجازات، ایجاد ترس و وحشت در قربانی، تحقیر، مجبور کردن قربانی یا شخص ثالث به انجام کاری با هر هدف دیگری مبتنی بر هر نوع تبعیض بوده باشد؛ اما منظور از جنایات آزمایش‌های زیست‌شناختی بر روی قربانی با توجه به این‌که در اساسنامه تعریفی از آن نشده است، ولی با توجه به ماده ۱۳۰ قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی که در آن به ممنوعیت هر نوع آزمایش بیولوژی نسبت به اسیر جنگی اشاره شده است، می‌توان گفت که منظور از آزمایش‌های زیست‌شناختی، اقدام به هر نوع آزمایش علمی بر روی اسیر جنگی است که بنا بر ضرورت طبی و حفظ سلامت قربانی انجام نمی‌گیرد و برعکس متضمن ایجاد خطر برای سلامت جسمی یا روحی قربانی است.

۳. فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید بر قربانی

۱. رنج عظیم، ناظر به تحمیل درد و رنج بیش از حد به قربانی است و هم‌چنین اعم از درد و رنج جسمی یا روحی است و می‌تواند به صورت فعل یا ترک فعل نیز ارتکاب یابد. پس محروم کردن یک اسیر جنگی از امکانات زندگی اعم از غذا، آب و مراقبت‌های پزشکی نیز نوعی رنج تلقی می‌شود.

۲. صدمه شدید به جسم و سلامتی که ناظر به صدمه و آسیب به قربانی است، درحالی‌که از حد معمول فراتر رفته، با شدت بیشتری همراه باشد، بلکه ناظر به مواردی است که موجب آسیب‌های جدی و مهم علیه جسم و سلامت قربانی می‌شود. نکته مهم این است که این جرم، شبیه همان جنایت شکنجه است با دو فرق اساسی: یکی اینکه این



جرم به شدت شکنجه نیست و دیگر اینکه همانند شکنجه با هدف اخذ اطلاعات از قربانی یا وادار کردن او به اقرار ارتکاب نمی یابد.

۴. تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت های نظامی آن را توجیه نمی کند به صورت خودسرانه

تخریب ناظر به مواردی است که قوای اشغالگر به حریق و تخریب و نابودی تأسیسات و زیرساخت های کشور اشغال شده پردازد. بدیهی است که چنین اعمالی به عنوان ضرورت های جنگی و نظامی محسوب نمی شود و مصداق بارز جرم تخریب است. ضبط گسترده اموال اعم است از تصاحب من غیر حق اموال عمومی یا خصوصی طرف متخاصم. بنابراین در سرزمین های اشغالی هم به تصمیم و هم به امر مقامات اشغالگر ممکن است اموال عمومی سرزمین اشغالی مصادره شود و مورد غارت و چپاول قرار گیرد و هم قوای اشغالگر رأساً در مقام سوءاستفاده از قدرتی که دارد، به اموال مردم تعرض کند. بدیهی است که اقدامات مذکور در خارج از محدوده ضرورت نظامی باید ارتکاب یابد.

ضبط گسترده اموال به صورت های مختلف امکان پذیر است گاهی بر اثر غارت و چپاول؛ یعنی با اعمال زور و قدرت است و گاهی هم بر اثر سرقت یا حتی زمانی هم تسلیم مال توسط صاحب آن، ولی با تهدید و اجبار اکراه. تمام این موارد مصداق جنایت ضبط گسترده اموال مطابق به بند ۴ فوق الذکر است؛ زیرا مالک و صاحب آن، طوعاً و باریضاً خاطر اموال خود را به قوای اشغالگر تسلیم نمی کند، بلکه به اجبار و اکراه و تهدید برخلاف میل و رضای خود و برای مصون ماندن از اذیت و آزارهای متعاقب عدم تسلیم مال که در انتظار او است، به قوای بیگانه تسلیم می نماید. مثلاً اگر از یک اسیر جنگی بخواهد ساعت گران بها یا انگشتر طلای ارزشمند خود را به افسر بازداشتگاه دشمن هدیه دهد. بدیهی است که شخص بازداشت شده یا اسیر جنگی، چاره ای جز تسلیم شدن به خواسته نظامی مذکور ندارد؛ اما از نظر حقوقی فرقی نمی کند که افسر بازداشتگاه با این تهدید مال فرد بازداشتی را تصاحب کند یا با خشونت و اعمال خشونت و زور آن را بر بایند یا در فرصتی آن را سرقت کند.



آنچه مهم است ضبط مال فرد یادشده به غیر حق و بدون هیچ‌گونه ضرورت نظامی است. بنابراین در تمام این موارد، وصف مجرمائه جرم که «ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی را توجیه نمی‌کند...» با اعمال ارتكابی، منطبق است.

منظور از غیرقانونی و خودسرانه بودن تصاحب اموال طرف متخاصم، در درجه اول همان بدون ضرورت نظامی است و سپس شامل مواردی است که حتی ضرورت نظامی هم نمی‌تواند توجیه‌کننده اقدام مرتکب باشد. مانند تصرف اماکن مذهبی، خیریه و ضبط اموال موجود در آن که برخلاف مقررات حقوق بین‌الملل است؛ زیرا اعمال مذکور به موجب ماده ۵۶ مقررات ۱۹۰۷ لاهه راجع به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، منع شده است.

۱-۴. عناصر اختصاصی جرم تخریب و ضبط گسترده اموال

۱. مرتکب، اموال و دارایی‌های خاصی را تخریب و ضبط کرده باشد؛
۲. اموال تخریب شده یا تصرف شده موردنظر تحت حمایت مقررات مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۴۹ ژنو باشد؛
۳. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک وضعیت حمایت شده را ثابت می‌کند، آگاه بوده باشد؛
۴. عمل جرمی در چهارچوب یک منازعه مسلحانه بین‌المللی و مرتبط با آن رخ داده باشد؛
۵. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ثابت سازد، آگاهی داشته باشد؛
۶. تخریب اموال و دارایی‌ها و همچنین ضبط آن‌ها بر اساس ضرورت نظامی قابل توجیه نباشد؛
۷. تخریب اموال و یا ضبط آن در مقیاس وسیع و به صورت خودسرانه صورت گرفته باشد؛



۵. اجبار اسراى جنگى يا ديگر اشخاص مشمول حمايت کنوانسيون به خدمت در صفوف نيروهاى دولت دشمن

اين جنايت جنگى اعم است از اين که اسير جنگى را به زور و تهديد وادار کنند که در عمليات جنگى عليه کشور خود شرکت کند يا به صورت ديگرى در خدمت دولت دشمن عليه کشور متبوعه خود، قرار گيرد.

۱-۵. مفهوم مجبور ساختن اسير جنگى به خدمت در نيروهاى مسلح متخاصم

اين عمل جرمى، منحصر به وادار کردن يا اجبار اسير، به جنگ در برابر نيروهاى خودى وى نيست، هر چند در عمل موارد عمده چنين است. کسانى که به جنگ وادار مى شوند، ممکن است افراد ديگر مورد حمايت کنوانسيون هاى ژنو باشند. به طور مثال ممکن است يکى از طرف هاى جنگ، پزشکانى را که به زخمى هاى جبهه مقابل کمک مى کنند، يا اشخاص ديگرى را که در جبهه مقابل مشغول کمک هاى بشردوستانه بوده اند، يا تسليم شده ها را به مشارکت در جنگ مجبور نمايند. نوع خدمت نيز به مشارکت در جنگ منحصر نمى شود، بلکه ممکن است به فعاليت در پشت صحنه جنگ مجبور شوند. به عنوان مثال، از اسير يا ساير اشخاص مورد حمايت کنوانسيون ژنو براى انتقال مهمات جنگى يا انتقال مجروحان به پشت صحنه جنگ و مراکز درمانى استفاده شود. لذا مطلق اجبار کردن شخص مورد حمايت کنوانسيون به خدمت در نيروهاى مسلح، صرف نظر از اينکه اسير باشد يا نباشد، مصداق جرائم جنگى است به اين شرط که جبهه اى که شخص وادار به خدمت و جنگيدن در آن شده است، جبهه دشمن وى محسوب شود. همچنان در نوع خدمت هم محدوديت وجود ندارد، خدمت ممکن است مستقيم باشد يا غير مستقيم، در صحنه جنگ يا پشت آن باشد.

۲-۵. عناصر اختصاصى مجبور ساختن اسير جنگى به خدمت در نيروهاى متخاصم

۱. مرتکب، حداقل يک شخص را به طور عمدى به خدمت در نيروهاى متخاصم مجبور ساخته باشد؛



۲. شخص یا اشخاص مجبور ساخته شده از جمله اشخاص مورد حمایت مقررات مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۴۹ ژنو باشند؛

۳. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک وضعیت حمایت شده را ثابت می‌کند، آگاه بوده باشد؛

۴. عمل جرمی در چهارچوب یک منازعه مسلحانه بین‌المللی و مرتبط با آن رخ داده باشد؛

۵. مرتکب از شرایط عینی که وجود یک مخاصمه مسلحانه را ثابت سازد، آگاهی داشته باشد؛

۶. محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا اشخاص مشمول حمایت کنوانسیون از حق محاکمه عادلانه و قانونی

برای فهمیدن «حق محاکمه عادلانه و قانونی» باید به مقررات کنوانسیون سوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی و حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مراجعه کرد که برحسب مورد و ضمن تأکید بر رعایت اصول محاکمات در مورد محاکمه اسیران جنگی، مقرراتی را در این زمینه وضع نموده است:

۱- ۶. جزء اول: ماده ۸۴ کنوانسیون سوم ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی

«تنها دادگاه‌های نظامی می‌توانند اسیران جنگی را محاکمه کنند... در هیچ موردی اسیر جنگی نباید در دادگاهی که متضمن تضمینات معمول، مانند استقلال و بی‌طرفی نباشد و اخصاً در دادگاه که جریان دادرسی و محاکمه آن حقوق و وسایل دفاع را طبق ماده ۱۰۵ تأمین نکند، دادرسی شود».

در ماده ۱۰۵ نیز حقوق زیر برای هر اسیر جنگی پیش‌بینی شده است:

— حق انتخاب یک نفر وکیل مدافع و در صورت عدم انتخاب، دولت حامی مکلف به انجام این کار است و اگر او هم این کار را نکرده باشد، دولت بازداشت کننده به انتخاب یک وکیل ذی صلاحیت برای متهم، موظف است.

— حق انتخاب یک مترجم صلاحیت‌دار.



— وکیل مدافع حق دارد با متهم بدون حضور کسی ملاقات کند و مذاکره کند.

— وکیل مدافع حق دارد با شهود و از جمله اسیران جنگی گفتگو کند.

— اتهام‌نامه و مدارک آن باید به اسیر متهم ابلاغ شود آن‌هم به زبانی که متهم بفهمد.

منظور از دولت حامی که در ماده ۱۰۵ از آن یاد شده است دولت‌های هستند که در

جنگ شرکت ندارند و بی‌طرف هستند و با توافق کشورهای متخاصم مأمور حفظ

حقوق آن‌ها طبق مقررات کنوانسیون ژنو هستند. شرح تفصیلی وظایف دولت حامی

و نحوه انجام آن در ماده ۸ قرارداد اول ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و

بیماران در نیروهای مسلح هنگام لشکرکشی، به شرح زیر آمده است:

— این قرارداد با معاضدت و تحت نظارت دول حامی که مأمور حفظ منافع دول

متخاصمند اجرا خواهد شد. برای این منظور دول حامی می‌توانند علاوه بر مأمورین

سیاسی یا کنسولی خود، نمایندگانی از میان اتباع دول بی‌طرف دیگر تعیین کنند.

— تعیین نمایندگان مزبور باید موردپذیرش دولتی قرار گیرد که نمایندگان نزد آن دولت

انجام وظیفه خواهند نمود.

— دولت‌های متخاصم به وسیع‌ترین وجهی در انجام وظایف مأمورین یا نمایندگان دول

حامی مساعدت خواهند کرد.

— مأمورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ حال از حدود مأموریت خود به نحوی

که از این قرارداد مستفاد است تجاوز نمایند. مخصوصاً باید ضرورت‌های عالیۀ

امنیت دولتی را که نزد آن انجام‌وظیفه می‌کنند، رعایت نمایند. تنها مقتضیات عالیۀ

نظامی ممکن است به‌طور استثناء و موقت مجوز محدود ساختن فعالیت آنان شود.

طوری که دیده می‌شود نقش دول حامی همانند صلیب سرخ جهانی است که

بی‌طرفی آن توسط جهان مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین اگر دول حامی وجود

نداشته باشند و طرف‌های درگیر در مورد آن توافقی نکرده باشند، این وظیفۀ حمایتی

از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به هنگام مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

انجام خواهد شد.

۶-۲. جزء دوم: ماده ۸۶ کنوانسیون سوم ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به علت یک عمل یا یک اتهام بیش از یک بار مجازات کرد».

این ماده، ناظر بر اعتبار امر قضاوت شده یا قضیه محکوم بها است که یک اصل پذیرفته شده در قوانین داخلی همه کشورهای گنجانیده شده است. مثلاً در ماده ۱۳ کود جزا افغانستان از اصل منع محاکمه مجدد یاد شده است؛ یعنی هیچ کس را نمی‌شود محاکمه یا مجازات مجدد کرد؛ زیرا با عدالت سازگاری ندارد.

۶-۳. جزء سوم: ماده ۹۹ کنوانسیون سوم ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به علت عملی تعقیب یا محکوم کرد که آن عمل به موجب قوانین دولت بازداشت کننده یا به موجب حقوق بین‌المللی که در تاریخ ارتکاب آن عمل معتبر است، صریحاً ممنوع نباشد. هیچ فشاری روحی و بدنی نباید به منظور اعتراف به عمل مورد اتهام به اسیر جنگی وارد آید».

این ماده، ناظر به لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و ممنوعیت اخذ اقرار با شکنجه و آزار است. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات در فقره‌های ۱ و ۲ ماده ۷ و همچنین محتوای ماده ۸ کود جزا افغانستان آمده است و این اصل را به صورت واضح و روشن بیان نموده است و چون از لفظ «هیچ عملی» یا «هیچ شخصی» که در آن به کار رفته است، اطلاق آن‌ها می‌توان دریافت. لذا شامل تمام اشخاص اعم از اسیر جنگی، تبعه داخلی یا خارجی و دیگر موارد است.

۶-۴. جزء چهارم: ماده ۱۰۶ کنوانسیون سوم ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی «هر اسیر جنگی حق دارد طبق کیفیات معموله در مورد اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت کننده در مورد هر حکمی که درباره‌اش صادر شده تقاضای تجدیدنظر نماید. حق درخواست تجدیدنظر او و هم‌چنین مهلت‌های اعمال حقوق مزبور به تفصیل به او اطلاع داده خواهد شد».



۵-۶. جزء پنجم: ماده ۷۱ قرارداد چهارم ژنو راجع به حمايت افراد كشوري در زمان جنگ

دادگاه‌های صالح دولت اشغالگر نمی‌توانند هیچ‌گونه حکم محکومیتی صادر کنند، مگر آنکه دادرسی منظمی قبلاً انجام شده باشد. هر متهمی که توسط دولت اشغال کننده تعقیب می‌شود، جزئیات موارد اتهام بدون تأخیر، کتباً به زبانی که متهم بفهمد به او اطلاع داده خواهد شد و بازجویی او هرچه زودتر به عمل خواهد آمد. چنانچه در موقع افتتاح جلسه دادرسی اثبات نشود که مقررات این ماده کاملاً رعایت گردیده، محاکمه نباید صورت گیرد.

نکته مهم در این ماده آن است که رعایت شدن اصول محاکمه عادلانه به شرح مذکور نه تنها امری است که از حقوق متهم است و در صورت عدم رعایت آن‌ها، متهم حق ایراد و اعتراض دارد، بلکه اهمیت رعایت این اصول به حدی است که شرط اصلی آغاز دادرسی یا محاکمه در دادگاه آن است که «اثبات شود مقررات این ماده کاملاً رعایت گردیده» تا حدی که اگر چنین اثباتی نشود، محاکمه انجام نخواهد شد. این امر البته برای حفظ حقوق متهم اسیر حتماً مؤثر بوده و تأکید بسیار مفیدی است.

۶-۶. جزء ششم: ماده ۷۲ کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمايت از افراد كشوري در زمان جنگ

«هر متهمی حق دارد وسایل استدلال لازم جهت دفاع از خود را ابراز دارد، از جمله می‌تواند شاهد بیاورد و نیز حق دارد از یک نفر مدافع دی صلاحیت که خود انتخاب کند استعانت جوید. مدافع مذکور می‌تواند آزادانه با متهم ملاقات کند و تسهیلات لازم را برای تهیه دفاعیه خویش دریافت خواهد داشت. اگر متهم وکیل مدافع انتخاب نکند، دولت حامی یک نفر وکیل مدافع برای او تهیه خواهد کرد. در صورتی که متهم باید جواب اتهام را بدهد و در صورتی که دولت حامی وجود نداشته باشد، دولت اشغال کننده باید با رضایت متهم یک نفر وکیل مدافع برای او تعیین نماید».

۷. تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیرقانونی

در مورد مفاهیم جرائم یاد شده در این بند از ماده ۸ اساسنامه لازم است در هر مورد توضیحات زیر آن‌هم به نقل از کنوانسیون چهارم ژنو داده شود که «راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ» است.

منظور از تبعید یا بیرون راندن غیرقانونی اشخاص در زمان جنگ، در مواد ۴۵ و ۴۹ قرارداد چهارم ژنو شرح داده شده است که ماده ۴۵ ناظر به تبعید اشخاص مورد حمایت در زمان جنگ و ماده ۴۹ آن راجع به تبعید اشخاص مذکور در زمان اشغال است.

ماده ۴۵ قرارداد چهارم ژنو که ناظر بر تبعید اشخاص مورد حمایت در زمان جنگ است بیان می‌دارد: «اشخاص مورد حمایت را نمی‌توان به دولتی که عضو این قرارداد نباشد، منتقل کرد».

این وضع مانع اعاده اشخاص مورد حمایت به میهن خود یا مانع بازگشت آن‌ها به کشور اقامتگاه خود پس از ختم جنگ نخواهد بود.

دولت بازداشت کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را به یک دولت عضو قرارداد انتقال دهد، مگر پس از آنکه اطمینان حاصل کند که دولت مزبور قادر و مایل به اقدامات این قرارداد است. وقتی که اشخاص مورد حمایت بدین طریق انتقال یافتند، مسئولیت اجرای این قرارداد در تمام مدتی که اشخاص مذکور به آن دولت سپرده شده‌اند، بر عهده آن دولت خواهد بود. مع‌هذا در صورتی که دولت مزبور مقررات این قرارداد را در هر مورد مهم اجرا ننماید، دولتی که اشخاص مورد حمایت را منتقل ساخته باید پس از وصول اخطار دولت حامی اقدامات مؤثری برای اصلاح وضع به عمل آورد یا اعاده اشخاص مورد حمایت را تقاضا کند. این تقاضا باید اجابت شود.

شخص مورد حمایت را در هیچ موردی نباید به کشورهای انتقال داد که آنجا بیم از آن داشته باشد که به علت افکار سیاسی یا عقیده مذهبی خود مورد آزار قرار گیرد.

مقررات این ماده مانع از آن نخواهد شد که اشخاص مورد حمایتی که متهم به



جنايات مربوط به حقوق عمومي شده باشند، به موجب عهدنامه نفي بلد که قبل از شروع مخاصمات منعقد شده باشد، نفي بلد شوند».

ماده ۴۹ قرارداد چهارم ژنو که راجع به تبعيد و انتقال اجباري اشخاص مورد حمايت در شرايط اشغال اراضي در زمان جنگ است: «انتقال اجباري دسته جمعي يا انفرادي و نقل مکان اشخاص مورد حمايت از اراضي اشغال شده به خاک دولت اشغال کننده يا به خاک هر دولت ديگري اعم از اين که اشغال شده يا نشده به هر علتی ممنوع است.

لذا دولت اشغال کننده می تواند در صورتی که امنيت اهالی يا موجبات عاليه نظامی ايجاب کند به تخلیه تمام يا قسمتی از یک ناحیه اشغال شده معین مبادرت کند. تخلیه نواحی نبايد موجب نقل مکان اشخاص مورد حمايت جز به داخل خاک اشغال شده گردد، مگر در صورتی عدم امکان مادی. جمعیتی که بدین طریق تخلیه می شوند، به محض اين که مخاصمات آن ناحیه پايان يافت، به محل اوليه خود عودت داده خواهند شد. دولت اشغال کننده هنگام انتقالات يا تخلیه های مذکور، بايد به ترتيبی اقدام کند که اشخاص مورد حمايت حتی الامکان در مؤسسات مناسب پذيرفته شوند و نقل مکان آن ها با شرايطی که از حيث سلامت و بهداشت و امنيت و تغذيه رضایت بخش باشد، صورت گیرد و اعضای یک خانواده از همدیگر جدا نباشند.

انتقال ها و تخلیه های مذکور به محض وقوع، به دولت حامی اطلاع داده خواهد شد. دولت اشغال کننده نمی تواند اشخاص مورد حمايت را در منطقه ای که مخصوصاً در معرض مخاطرات جنگ است، نگاه دارد مگر آنکه امنيت اهالی يا موجبات عاليه نظامی اين عمل را ايجاب کند. دولت اشغال کننده نمی تواند به نقل مکان يا انتقال قسمتی از نفوس کشور خود به اراضي که اشغال کرده است، مبادرت نماید».

همان طور که در مورد منع تبعيد و انتقال اجباري اشخاص تحت حمايت طی مقررات ۴۵ و ۴۹ قرارداد چهارم ژنو راجع به حمايت افراد کشوری در زمان جنگ گفته شد و تنها استثناء آن موردی بود که امنيت اهالی يا موجبات عاليه ای نظامی ايجاب می کرد دولت اشغال کننده مجاز به تخلیه تمام يا قسمتی از ناحیه اشغال شده



آن‌هم با شرایط خاص که متضمن حفظ سلامت جسمی و روحی و روانی آنان باشد. در این مورد هم که سخن از «حبس غیرقانونی اشخاص مورد حمایت» است، اصل بر ممنوعیت انجام این عمل نسبت به آنان است، ولی به‌عنوان مورد استثنایی که ناظر به همین مورد امنیتی است و در قسمت اخیر ماده ۲۷ قرارداد چهارم ژنو به شرح زیر آمده است، امکان حبس و بازداشت اشخاص مورد حمایت وجود دارد: «دول متخاصم می‌توانند در باره‌ای اشخاص مورد حمایت اقدامات نظارت یا امنیتی را که به واسطه جنگ لازم باشد، به عمل آورند».

از طرفی در ماده ۵ همین قرارداد چهارم ژنو در موردی دیگر نیز باز بر اساس همین موضوع امنیت دولت داخل در جنگ است و شخص یا اشخاص تحت حمایت کنوانسیون ژنو، متهم به انجام اقداماتی مضر به امنیت دولت گردند، در چنین حالتی نیز متهم یا متهمین مذکور نمی‌توانند از حقوق و امتیازات حاصله از این قرارداد که ناظر به حمایت اشخاص تحت حمایت غیرفعال در جنگ است، برخوردار شوند. متن ماده مذکور چنین بیان می‌کند: «چنانچه یک دولت داخل در جنگ دلایل جدی داشته باشد که شخصی که تحت حمایت این قرارداد است در خاک آن دولت به‌صورت انفرادی مورد سوءظن قانونی است که به فعالیت‌های مضر به امنیت دولت دست می‌زند و یا در صورتی که مسلم شود واقعاً با این نوع فعالیت مشغول است، شخص مزبور نمی‌تواند به حقوق و امتیازات حاصله از این قرارداد که در صورت اجرا درباره او ممکن است به امنیت دولت لطمه وارد آورد، متشبث گردد. چنانچه در یک خاک اشغال شده شخصی که در مورد حمایت این قرارداد است، به‌عنوان جاسوس یا خرابکار یا به علت دیگری مورد سوءظن قانونی از حیث اعمال فعالیت مضر به امنیت دولت اشغال کننده است دستگیر شود، شخص مزبور را ممکن است در صورتی که امنیت نظامی قطعاً ایجاب کند از حقوق ارتباط که به موجب این قرارداد پیش‌بینی شده، محروم سازد. مع‌هذا در هر یک از این موارد، با اشخاص موضوع بندهای سابق با انسانیت رفتار خواهد شد و از حق دادرسی عادلانه و منظم به‌نحوی که در این قرارداد پیش‌بینی شده، محروم نخواهند شد. به‌علاوه در



نزدیک‌ترین تاریخ ممکن که امنیت دولت اشغال کننده برحسب مورد اجازه دهد، استفاده از کلیه حقوق و مزایای اشخاص مورد حمایت را به مفهوم قرارداد بازخواهند یافت».

۸. گروگان‌گیری

گروگان‌گیری از جمله جنايات بين المللى است که علاوه برداشتن اوصاف جزایی، واجد خصیصه ضد اخلاقی نیز هست؛ زیرا کسانی را که در جنگ به هیچ وجه شرکت ندارند، دستگیر و توقیف می‌نمایند تا از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف‌های خود استفاده کنند. مثلاً به هنگام جنگ برای جلوگیری از اقدامات خصمانه طرف، عده‌ای از افراد غیرنظامی آن کشور مانند زنان، کودکان و یا شخصیت‌های مورد احترام جامعه را دستگیر و توقیف می‌کنند و گاه به عنوان سپر دفاعی از این گروگان‌ها بهره می‌گیرند و به هنگام حمله و تهاجم به آن کشور، از این گروگان‌ها به عنوان حائل میان خود و نیروهای نظامی، سود می‌برند. گاه اتفاق می‌افتد که به سلب آزادی این افراد اکتفا نمی‌شود و گروگان‌ها در مواردی کشته می‌شوند. این امر معمولاً در دو مورد اتفاق می‌افتد: یکی به تلافی اقدامات خصمانه نظامیان طرف مقابل و دیگری برای ایجاد ترس و وحشت در طرف متخاصم به منظور توقف عملیات و اقدامات خصمانه آنان. این اتفاقات معمولاً در کشورهای اشغال شده رخ می‌دهد که گروه‌های مقاومت ملی و هسته‌های مقاومت در برابر قوای اشغالگر تشکیل می‌شود و اقدام به گروگان‌گیری در این موارد با هدف متوقف کردن عملیات آنان می‌کنند.

گاهی اوقات گروگان‌گیری افراد بی‌گناه با هدف وادار کردن طرف مقابل به انجام عملی یا عدم انجام عملی صورت می‌گیرد و تهدید می‌کنند که اگر خواسته‌شان برآورده نشود، گروگان‌ها را خواهند کشت؛ یعنی سلب آزادی افراد بی‌گناه و غیرنظامی که در جنگ شرکت ندارند و به گروگان گرفتن آن‌ها، فی نفسه یک جنایت محسوب می‌شود، چه رسد به اینکه به کشتار آنان اقدام کنند. خاصه این که این فعل مجرمانه معمولاً با هدف کسب یک امتیاز نظامی یا وصول به پیروزی در جنگ انجام می‌شود. هرچند در مواردی نیز به عنوان یک اقدام تلافی جویانه در برابر جنايات طرف متخاصم



ارتکاب می‌یابد که بدیهی است حتی در این مورد نیز در مجرمیت مرتکبان این عمل شنیع و غیرانسانی، تردیدی نخواهد بود؛ زیرا گروگان‌گیری و تهدید آن‌ها به قتل یا کشتن گروگان‌ها، مستقلاً یک جنایت بین‌المللی است. این که تلافی جویانه ارتکاب یافته است نیز توجیه کننده ارتکاب چنین جنایت هولناکی نیست؛ زیرا هیچ عقل سلیمی کشتن افراد بی‌گناه را به خاطر جنایات دیگران، توجیه نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

جرائم جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جرائمی که در هنگام جنگ میان دو یا چند کشور درگیر جنگ، توسط نیروهای مسلح صورت می‌گیرد که کاملاً از مخاصمات مسلحانه داخلی متفاوت است که در آن دولت مرکزی با شورشیان از داخل کشور خود در حال مخاصمه است. در عین حال گاهی مخاصمه مسلحانه داخلی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تغییر حالت می‌دهد و آن وقتی است که یک یا چند دولت دیگر با کمک رساندن به نیروهای شورشی در جریان عملیات نظامی در آن جنگ دخالت نمایند یا نیروهایی به کمک آن‌ها فرستاده یا برخی شرکت‌کنندگان در آن درگیری مسلحانه داخلی، به عنوان عوامل آن دولت‌ها اقدام نمایند. در این حالات فرض آن است که یک کشور در روابط خود با کشور دیگر متوسل به زور شده است. مشخصات کلی این جرائم به صورت عموم عبارت است از اِعمال آن‌ها بر روی اشخاص یا اموال مورد حمایت، مرتکبین و قربانیان جنایات جنگی اعم از نظامی و غیرنظامی بودن و عدم لزوم گسترده یا سازمان‌یافته بودن.

در کنوانسیون سوم و چهارم ژنو مصادیق هشت‌گانه جرائم جنگی بیان شده است که به صورت مصداقی بحث و عناصر اختصاصی هر جرم توضیح داده شد. با توجه به اهمیت موضوع و چالش‌های موجود در تعریف جرائم جنگی از محققان دیگر دعوت می‌شود تا در این زمینه به صورت تخصصی و تطبیقی جرائم جنگی ارتکاب یافته در افغانستان را در مطابقت با بند یک ماده هشت اساسنامه دیوان بین‌المللی تحقیق کنند.



فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. پاد، ابراهيم، (۱۳۸۱)، حقوق کيفرى اختصاصى، تهران: انتشارات رهام.
۲. جمعى از نويسندگان، (۱۳۹۸)، شرح کود جزاى افغانستان، کابل، بنياد آسيا.
۳. کريانک ساک، کيتى شيائزرى، (۱۳۸۳)، حقوق بين الملل کيفرى، (ترجمه: بهنام يوسفیان و محمد اسماعيلی)، تهران: نشر سمت.
۴. هدايتى، محمد على، (۱۹۶۶)، مجموعه قراردادهاى بين المللى چند جانبه ايران در ادوار جامعه ملل و سازمان ملل متحد، بى جا: نشر تابان.

ب. قوانين و اساسنامه‌ها

۵. اساسنامه ديوان بين المللى کيفرى و سند نهايى کنفرانس رم، (بى تا)، (ترجمه: مرکز اسناد حقوق بشر ايران)، بى جا: بى نا.

